

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ -
دُونَ الْأُمَمِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ السَّالِفَةِ

مجموعه مطالعات ایرانی - اسلامی / ۶

درآمدی بر شناخت دین و فرهنگ زردشتی

پاره نخست

جويا جهانبخش



پژوهش‌های علوم دینی و فلسفه اسلامی
پژوهشگاه ادبیات و آثار

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.
نشانی: اصفهان، خیابان حافظ، چهارراه کرمانی، انتشارات
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - شعبه اصفهان.
تلفن و دورنگار: ۵-۸۰۰۱۳۲۲۰-۳۱
مراکز پخش: اصفهان، تلفن: ۳۷۰۳۲۲۰؛ قم، تلفن و دورنگار:
۳۴۲۶۳۴۷۷؛ تهران، تلفن: ۴۴۵۱۵۳۴
وبسایت: <http://www.Morsalat.ir/Nashr>
پست الکترونیک: Nashr.disf@dte.ir

درآمدی بر شناخت دین و فرهنگ زردشتی (پاره نخست)
جویا جهانبخش
تهیه: پژوهشکده الهیات و خانواده
ناشر: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان
آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: محمد کاظمی
چاپ: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب
نوبت چاپ: اول، زمستان ۱۴۰۲
شمارگان: ۵۰۰
قیمت: ۶۰۰۰۰۰ تومان
عنوان: ۱۳۶؛ مسلسل: ۱۷۷

سرشناسه:	جهانبخش، جویا، ۱۳۵۶ -
عنوان و نام پدیدآور:	درآمدی بر شناخت دین و فرهنگ زردشتی / جویا جهانبخش؛ تهیه پژوهشکده الهیات و خانواده.
مشخصات نشر:	اصفهان: حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، شعبه استان اصفهان، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری:	۲ ج.
فروست:	مجموعه مطالعات اسلامی-ایرانی؛ ۶.
شابک:	ISBN: 978-622-6152-59-4 ۱ ج ۶۰۰۰۰۰ ریال، ISBN: 978-622-6152-60-0 ۲ ج ۶۰۰۰۰۰ ریال،
وضعیت فهرست نویسی:	فیبا
یادداشت:	کتابنامه
موضوع:	زردشتی
موضوع:	Zoroastrianism
موضوع:	زردشتی -- تاریخ
موضوع:	Zoroastrianism -- History
موضوع:	زردشتی -- عقاید
موضوع:	Zoroastrianism -- Doctrines
موضوع:	زردشتی و اسلام
موضوع:	Zoroastrianism -- Relations -- Islam
شناسه افزوده:	حوزه علمیه قم. دفتر تبلیغات اسلامی. شعبه استان اصفهان. پژوهشکده الهیات و خانواده
رده بندی کنگره:	BL ۱۵۷۱
رده بندی دیویی:	۲۹۵
شماره کتابشناسی ملی:	۹۵۰۰۹۹۸

○ فهرست:

پاره نخست

- سخن نخست ۷
- پیشگفتار ۱۱
- زردشت در تاریخ ۲۷
- زردشت در سنت داستانی ۵۱
- زردشت به مثابت «دین آور» ۸۱
- از دین زردشت تا سنت زردشتی ۸۹
- اوستا و پاره‌های آن ۱۱۳
- میراث مکتوب زردشتی ۲۱۵
- عقیدت و شریعت زردشتی (گزارش کلی) ۲۲۷
- (آهورمزدا و آهریمن؛ فرشتگان و دیگر آسمانیان؛ آفرینش؛ پیامبری و وحی زردشتی؛ جبر و اختیار و تکلیف انسان و مجاهدت متدینان؛ منجی، موعود / موعودها، آخرالزمان؛ مرگ؛ چینود؛ رستاخیز؛ داوری؛ حیات آخروی؛ آخرالزمان و اخبار آخرالزمانی؛ احکام شخصی و اجتماعی؛ عبادات و آداب؛ طهارت و نجاست؛ وضو و تیمم و غسل و تطهیر؛ نماز و نیایش؛ کمر بند و جامه آیینی؛ آتش به مثابت قبله؛ ازدواج و روابط جنسی؛ ازدواج با محارم؛ جایگاه زنان در خانواده و اجتماع؛ پوشش و آرایش زنان؛ باده‌نوشی و مستی و سرمستی تحذیری؛ گاهشماری؛ جشن‌های آیینی و سنت‌های مردمی؛ گاهنبار / گهنبار؛ نوروز؛ تیرگان؛ مهرگان؛ سده؛ شب چله؛ چهارشنبه‌سوری؛ تیمه بحث از جشن‌ها و سنتن؛ درگذشتگان و پیکرهاشان؛ سوکواری بر درگذشتگان؛ طبقه روحانی؛ آتشکده‌ها؛ تبلیغ دیانت و مجازات ارتداد؛ دایره رستگاری؛ دیانت و سیاست؛ دشواری و خُسونت فقهی)
- یگانه پرستی یا دوگانه پرستی؟ ۵۴۱

۶ درآمدی بر شناخت دین و فرهنگ زردشتی

- "آتش" و معنای آتش پرستی..... ۵۶۱
- جایگاه دین زردشت در ایران پیش از اسلام..... ۵۷۹

پاره دُوم

- دین زردشت از چشم انداز اسلام..... ۶۴۵
- دین زردشت و مسلمانان..... ۶۸۹
- تأثیر دین زردشت در فرهنگ و ادب و اندیشه ایران پس از اسلام..... ۷۱۷
- جامعۀ زردشتی و سرگذشت آن..... ۷۶۵
- دین زردشت در عصر تجدد..... ۹۲۱
- بدعت‌های نوظهور و تبدیل «دین» به «فلسفه»..... ۹۶۱
- میراث زردشتی و بازیگری‌های باستان پرستان افراطی..... ۱۰۲۳
- سُخنی در پایان..... ۱۱۱۱
- کتابنامه..... ۱۱۱۷

□ سخن نخست

مجموعه «مطالعات ایرانی - اسلامی» اهمتامي است فروتنانه در عرصه بازخوانی و بازپژوهی میراث ارج آور اندیشه وران تمدن شکوهمند ایران و اسلام، و کوششی مشتاقانه به آهنگ راه گشودن به سوی آفاق فراخ فکر و فرهنگ اسلامی امروز، با بهره‌وری از خزائن گرانبار معرفتی دیروزیان، آن سان که فردایی روشن‌تر و دلگشای‌تر را از رهگذر آن تقدیر و تدبیر توان کرد.

تاکنون با عنایت و اعانت پروردگار لطیف خبیر، پنج کتاب زیر در مجموعه «مطالعات ایرانی - اسلامی» منتشر شده است:

- ۱) از گنجینه‌های نسخ خطی نوشته حسن انصاری.
- ۲) الْمُتَبَقِّي مِنْ كُتُبِ مَفْقُودَةٍ به کوشش حسن انصاری.
- ۳) فیلسوف یهودی بغداد (ابن کّمونه و آثار او) نگاشته زابینه اشمیتکه و رضا پورجوادی.

۴) برگردان عربی کتاب اخلاق ناصری با نام الأخلاق النصیریّة فی تعریب الأخلاق الناصریّة به قلم رکن الدّین محمّد جرجانی (زنده در ۷۲۸ هـ.ق.)، با تصحیح و تعلیق: یُپ لَمیر (Joep Lameer).

۵) روزنامه عاشورا ترجمه فارسی کتاب یوم الطّف تألیف آیه الله شیخ هادی نجفی به قلم جويا جهانبخش.

اینک، از بخت نیک، کتاب دیگری از استاد جويا جهانبخش در ضمن سلسله «مطالعات ایرانی - اسلامی» انتشار می‌یابد که نگاشته‌ای است ممتاز و ممتّع در

۸ درآمدی بر شناخت دین و فرهنگ زردشتی

قلمرو تحقیقات دین‌شناختی ایران باستان. کتاب کلان درآمدی بر شناخت دین و فرهنگ زردشتی اثری است محققانه و متبّعانه که نویسنده در آن به نحوی درخور، جوانب گوناگون مهم تاریخی و دینی و فرهنگی کیش زردشتی را کاویده است و پژوهشی ارزنده و آموزنده را برای علاقه‌مندان به این حوزه مطالعاتی به ارمغان آورده. نگارنده دانشور این کتاب کوشیده است و نیک کوشیده تا با بررسی تحقیقات پیشین و بهره‌گیری از بیشینه پژوهش‌های انتشاریافته در زمینه مطالعات زردشتی، گزارشی درآمدگونه و در عین حال فراگیر و نکته‌پردازانه از سرگذشت و سرشت کیش زردشت و فراز و فرودهای آن در ایران زمین از روزگار دیرین تا دوران حاضر ارائه نماید و به‌طور ویژه، باورداشت‌ها و رسوم باورمندان به این دین کهن را از چشم‌انداز اسلامی و در سنجش با عقائد و احکام و سنن مسلمانان مورد مذاقه و ارزیابی قرار دهد.

گسترده‌گی و تنوع موضوعات مورد بحث درباره کیش زردشتی، گزینش رویکرد تاریخی و انتقادی در بررسی مسائل، ژرف‌نگری و باریک‌بینی مؤلف در تحقیق و تبیین موضوعات مختلف، تازه‌جویی‌ها و طرح پاره‌ای از تحلیل‌ها و نکات نو، ارائه تقریری جامع و مستند و علمی از میراث مکتوب و عقیدت و شریعت دین زردشتی و همچنین، بیان پاسخ‌های متقن و مقبول به شبهات مشهور در خصوص تاریخ اسلام و ایران و رابطه آنها با کیش زردشتی، از جمله ویژگی‌ها و امتیازات این اثر دانشورانه است.

طرح تحلیل‌ها و تعلیل‌های دور از حقیقت و جانبدارانه، و بیان اظهارنظرهای نسنجیده و نیندیشیده و متعصبانه از جانب مستشرقان و باستان‌گرایان و گاه حتی نویسندگان مسلمان در باب تاریخ و باورهای زردشتی، به‌راستی، دست یافتن به شناخت درست و استوار از این دین کهن را دشوار ساخته است. استاد جهانبخش در کتاب حاضر اهتمامی ستودنی در بازنمودن اشکالات و وجوه ضعف ایستارهای سست و سخنان واهی مطرح در این زمینه نموده است و

سخن نخست ۹

خوانندگان را به شناخت تا حدّ امکان راستین در باب کیش زردشت رهنمون می‌شود. کتاب نامبرده مرجعی معتبر و معتمد تواند بود برای عموم دوستداران فرهنگ ایرانی و علاقه‌مندان به مطالعات زردشتی که خود مجال و توان بررسی منابع انبوه نشریافته در این عرصه را ندارند و در پی تحقیقی متقن و متین‌اند برای بازشناسی زردشت و دین او.

امیدواریم انتشار این اثر و دیگر آثاری که به خواست و عنایت خداوند مّان در مجموعه «مطالعات ایرانی - اسلامی» به چاپ خواهد رسید، زمینه‌ساز پویایی افزون و اعتلای فزاینده دانش جویندگان و پژوهندگان این‌گونه آگاهی‌ها در باب میراث سترگ ایرانی و فرهنگ گرانسنگ اسلامی شود و همه ما را با یادگارهای بیش‌بهای دیرین و موارث والای ثمین دانشوران اقالیم قبله آشنا تر سازد.

در انجام سخن، از جناب آقای دکتر نجف لکزایی، رئیس ارجمند پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، و جناب آقای دکتر احمدیان، رئیس محترم دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان که برای تمهید مقدمات نشر این اثر موافقت و مساعدت نمودند، سپاسگزاری می‌کنم، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

حمید عطائی نظری

اصفهان / زمستان ۱۴۰۲ هجری شمسی

□ پیشگفتار

«راه یکی (است). آن (راه) راستی (است). همه دیگر (راهها) بیراهه (است).»^۱.

○ شناخت "کیش زردشت" به عنوان دینی که قرن‌ها غالب ایرانیان به نحوی از آنحاء زیر تأثیر فرهنگ و آموزه‌های آن بوده‌اند و یک چند دین رسمی کشور ایران به شمار می‌رفته است و فرهنگ مسلمانان باشندۀ فلات ایران با فرهنگ و میراث آن در داد و ستدی تاریخی قرار داشته است، و نیز آشنائی با "زردشتیان" به عنوان یک اقلیت دینی رسمی که در جهان اسلام زیسته‌اند و در تلقی شایع کنونی جامعۀ اسلامی از "اهل کتاب" و مضداق «مجوس» مذکور در قرآن کریم شمرده می‌شوند، ضرورتی است مطالعاتی در قلمرو مطالعات ایرانی و اسلامی.

تقریر و لو اجمالی ولی روشن خاستگاه و پیشینه دین زردشت و سیر و ضرورت تاریخی آن و باورهای کلامی و باید و نبایدهای فقهی و فرهنگ و آداب عمومی زردشتیان و نقاط همسویی و ناهم‌سویی این همه با آدیان ابراهیمی مضطح و بویژه دین اسلام و قابلیت‌های احتجاج‌پذیر میراث زردشتی در عرصهٔ مباحثات میان آدیان، دامنهٔ مطالعاتی فراخی را می‌گشاید که بی هیچ گمان سنزای آن را در یک دفتر نمی‌توان گزارد.

۱. یسنا، گزارش: ابراهیم پورداود، به کوشش: بهرام فره‌وشی، ج ۲، چ: ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۶ ه.ش.، ص ۱۲۰؛ هات ۷۲، بند ۱۱.

○ شناخت دین زردشت، از برای هر ایرانی مسلمان یک وجه اهمّیت "عام" دارد؛ و آن از حیث ایرانی بودن ماست و سهم قابل توجهی که فرهنگ زردشتی در ساختمان فکر و فرهنگ ایرانی داشته است. از برای عموم مسلمانان، خواه ایرانی و خواه غیرایرانی، هم یک وجه اهمّیت "عام" دارد؛ و آن از حیث تأکید و ترغیب اسلام است به شناخت جهان و شناخت اقوام و شناخت تاریخ و... همان تأکید و ترغیبی که قرن زرین تمدن اسلامی، یعنی: سده چهارم هجری، را پدید آورد - که "مشخصه"ی آن را «حس کنجکاوی سیری ناپذیر» گفته اند^۱ -، و همان تأکید و ترغیبی که امثال ابوریحان بیرونی (۳۶۲ - ۴۴۰ ه.ق.) را - که یکی از سرآمدان همان روزگار درخشان و پرفروغ است - برمی انگیزد تا در طلب آگاهی به اقصای نقاط جهان آن روزگار برونند و مثلاً از تاریخ و فرهنگ و آیین های هند قدیم اطلاع حاصل کنند و زبانی چون سنسکریت را که زبان علمی و دینی مقدّس هندوان بوده است فراگیرند و کتابی چون تحقیق ما للهند^۲ پدید آرند که امروز چه

۱. نگر: تاریخ ایران اکیمبریج؛ از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان، پژوهش دانشگاه کیمبریج، جلد چهارم، نویسندگان: دکتر عبدالحسین زرین کوب - و - ... گردآورنده: ر. ن. فرای، ترجمه: حسن انوشه، ج: ۶، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵ ه.ش.، ص ۵۰۳.

۲. عنوان کامل کتاب بیرونی، این است: تحقیق ما للهند من مقوله مقبولة فی العقل أو مردولة. در واقع، بیرونی، آن سان که از نام کتابش نیز به اشارتی برمی آید، در پی آن بوده است تا خواننده نهایتاً معارف هندوان را به ترازوی ذهن و خرد و حکمت خویش هم بکشد و عیارسنجی کند و مقبول یا نامقبول بودنش را دریابد؛ لیک مقدم بر نقد و عیارسنجی، شناخت است و اطلاع... بیرونی با تفطن بدین تقدّم، آن گونه که خود تصریح می کند (نگر: کتاب ابی الزینحان محمد بن احمد البیرونی فی تحقیق ما للهند من مقوله مقبولة فی العقل أو مردولة، تحقیق: إدوارد زاخائو، لندن، ۱۸۸۷ م.، ص ۴)، موضوع کتاب خود را، نه جدل و احتجاج، که گزارشی از باورداشتهای هندیان چنان که بوده است، قرار داده، بی آن که بظلال بسیاری از آن باورداشتهای نابوده و نادیده بینگازد.

مفهوم نام کتاب بیرونی را بیش و کم بدین ریخت می توان در قالب فارسی ریخت: "پژوهش و روشنداشته آنچه هند / هندیان راست، اعم از آنچه خرد می پذیرد و آنچه خرد نمی پذیرد." ⇐

پیشگفتار ۱۳

از حیث معلوماتی که در آن اندراج یافته است و چه از حیث رویکرد مُنصفانه و همدلانه و غیرمُغرضانه بیرونی در آن و دقتی که به کار بسته است تا بیهوده مفاهیم مُتفاوتِ اَدیان و فرهنگ‌ها را بر هم تطبیق ن‌کنند، مورد ستایشِ بسیاری از دین‌شناسانِ روزگارِ ماست و شاهکاری تلقی گردیده است که همواره از عجایبِ عالمِ فکر و دانش بشمار خواهد بود.^۱ ... باری، همین توجّه عمیق به ارزشِ دانش‌اندوزی و آگاهی بود که مردی چون ابوریحان را در بسترِ مرگ بر آن می‌داشت که دانشِ فقهی خود را در بابِ فلان مسأله تقسیمِ ارث بیفزاید؛ تنها با این انگیزه و استدلال که دانستن و مُردن هرآینه بهتر است از ندانستن و مُردن.^۲ ... آری، یک

↳ از راه استطراد، این راه دربارۀ نام کتابِ بیرونی می‌باید به عرض رسانید که: این عبارت، اگر در آن دقت شود، هرآینه پدیدار می‌گردد که موزون است و علی‌الظاهر بر همان آهنگِ معهودِ ارجوزه‌های علمی که سرایش در میان دانشورانِ مُسلمان بسیار شایع بوده است: «تَحْقِيقُ مَا لِلْهَيْدِ مِنْ مَقُولَةٍ مَقْبُولَةٍ فِي الْعَقْلِ أَوْ مَرْدُولَةٍ».

۱. در این باره، از جمله، نگر: بنگاله در قنډ پارسی (گفتارهایی در روابط فرهنگی ایران و هند)، دکتر فتح‌الله مجتبائی، به کوشش: شهریار شاهین‌دژی، چ: ۱، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۹۲ ه.ش.، ص ۲۱۷ و ۲۲۲ و ۲۲۷ - ۲۳۹.

۲. «حَدَّثَ الْقَاضِي كَثِيرُ بْنُ يَعْقُوبَ الْبَغْدَادِيُّ النَّحْوِيُّ فِي السُّتُورِ عَنِ الْفَقِيهِ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ عَيْسَى الْوَلَوَالِجِيِّ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الرَّيْحَانِ وَهُوَ يَجُودُ بِنَفْسِهِ، قَدْ حَشَرَخَ نَفْسُهُ وَصَاقَ بِهِ صَدْرُهُ، فَقَالَ لِي فِي تِلْكَ الْحَالِ: كَيْفَ قُلْتَ لِي يَوْمًا حَسَابَ الْجَدَاتِ الْفَاسِدَةِ؟ فَقُلْتُ لَهُ إِشْفَاقًا عَلَيْهِ: أَفِي هَذِهِ الْحَالَةِ؟! قَالَ لِي: يَا هَذَا! أَوَدِّعُ الدُّنْيَا وَأَنَا عَالِمٌ بِهَذِهِ الْمَسْأَلَةِ، أَلَا يَكُونُ خَيْرًا مِنْ أَنْ أُخْلِيَهَا وَأَنَا جَاهِلٌ بِهَا؟! فَأَعَدْتُ ذَلِكَ عَلَيْهِ وَحَفِظَ وَعَلَّمَنِي مَا وَعَدَ، وَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ وَأَنَا فِي الطَّرِيقِ، فَسَمِعْتُ الصَّرَاحَ!» (مُعْجَمُ الْأَدْبَاءِ - إِرْشَادُ الْأَرِيْبِ إِلَى مَعْرِفَةِ الْأَدِيبِ -، ياقوت الحموي الرومي، ط: ۳، بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۰ ه.ق.، ۱۷ / ۱۸۲)؛ حاصل معنی این که: ... از فقیه ابوالحسن علی بن عیسی ولوالجی منقول است که گفت: آنگاه که ابوریحان جان می‌داد بر بالین وی حاضر آمدم؛ دم و بازدمش دشوار شده و نفس در سینه او به شماره افتاده بود؛ در آن حال از من پرسید: حسابِ جداتِ فاسده را که روزی از برای من گفתי بازگوئی که چگونه بود. گفتم: ﴿

وَجِهْ أَهْمِيَّتِ "عام" شناخت دین زردشت از برای هر مسلمان، باور عام اسلامی به لزوم وقوف بر هستی و همین رویکرد ابوریحان وار است که طلب دانش را - آن سان که در حدیث شریف آمده است^۱ - بر خود فریضه می داند.

شناخت دین زردشت، از برای عموم مسلمانان، خواه ایرانی و خواه غیرایرانی، یک وجه اهمیت "خاص" هم دارد؛ و آن، از حیث ذکر "مجوس" است در کتاب و سنت. خواه «مجوس» را - چنان که مشهور است - خود زردشتیان بدانیم و خواه - آن سان که برخی مدعی شده اند - گروهی بشماریم اعم از زردشتیان، آنچه درباره

→ آیا اکنون در این حالت جای این سخن است؟! گفت: ای مرد! آیا این که در حالی که بدین مسأله عالم باشم از جهان بروم هرآینه بهتر از آن نیست که در حالی که بدان جاهل باشم از جهان درگذرم؟! پس من آن سخن را از برایش واگویی کردم و به یاد سپردم و آنچه را وعده کرده بودم نیز به من درآموزانید؛ و از نزد وی بیرون شدم و هنوز در راه بودم و از آن جا چندان دور نشده بودم که بانگ شیون برخاست و دانستم که او درگذشته است.

می نویسم:

«الجدات الفاسدة» که در بعضی ویراست های معجم الأدباء یاقوت (معجم الأدباء - إرشاد الأديب إلى معرفة الأديب -، یاقوت الحموی الرومی، تحقیق: الدكتور إحصان عباس، بیروت: دار العرب الإسلامية، ۱۹۹۳ م، ۵ / ۲۳۳۲) بنا دروست «الجدرات الفاسدة» ضبط شده است و به تبع آن نیز بعضی معاصران آن را «جذره های فاسد» ترجمه کرده اند (نگر: معجم الأدباء، یاقوت حموی، ترجمه و پیرایش: عبدالمحمّد آیتی، تهران: سروش، ۱۳۸۱ ه.ش، ۲ / ۱۰۱۸)، مسأله ای است فقهی در فرائض (دانش تقسیم ارث)... درباره آن، نگر: موسوعة کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، التهانوی، تقدیم و إشراف و مراجعة: د. رفیق العجم، تحقیق: د. علی دحروج، نقل النصّ الفارسیّ إلى العربیّة: د. عبدالله الخالدی، التّرجمة الأجنبيّة: د. جورج زیناتی، ط: ۱، بیروت: مکتبة لبنان ناشرون، ۱۹۹۶ م، ۱ / ۵۵۲.

۱. «طلب العلم فریضة علی کلّ مسلم؛ إلا إن الله یحبّ بغاء العلم» (الأصول من الکافی، ثقة الإسلام أبو جعفر محمد بن یعقوب بن إصحاق الكلینی الرازی، صححه و علّق علیه: علی أكبر الغفاری، ط: ۴، طهران: دار الکتب الإسلامیّة، ۱۳۶۵ ه.ش، ۱ / ۳۰)؛ یعنی: طلب دانش بر هر مسلمانان فریضه است؛ هان! خدای، جویندگان دانش را دوست می دارد.

«مَجُوس» در کتاب و سنت و تاریخ و متون مسلمانان آمده است، ما را از تعیین موضع عقیدتی و فقهی و تاریخی و فرهنگی درباره ایشان ناگزیر می‌دارد، و همین ناگزیری، شناخت دین زردشت و پیشینه و فرهنگ زردشتیان را لازم می‌آورد.

راست آن است که پیروان کیش زردشت در روزگار ما برآستی آن‌دک شمارند، لیک در گذشته‌های دور و بویژه پیش از دامن گستردن دین مبین اسلام در شرق، آیین زردشتی و فرهنگ متأثر از آن در فلات ایران و شماری از سرزمین‌های مجاور ائتشاری وسیع و تأثیری نمایان داشته است که بازمودهای آن در آثار ادبی و تاریخی بازمانده از آن روزگاران هُویداست و رُسوبات همین فرهنگ را در پاره‌ای از عقائد و مذاهب و آیین‌های باطن‌گرایانه و صوفی‌وشانه پس از اسلام هم که در این پهنه جغرافیائی بالیده‌اند سراغ توان کرد. مطالعه عمیق در این عقائد و مذاهب و آیین‌های باطن‌گرایانه و صوفی‌وشانه، آشنائی با کیش و فرهنگ زردشتی و مقایسه میان باورداشت‌ها و آیین‌های هر دو سوی را ایجاب می‌کند. بازشناسی و ریشه‌کاوی صحیح آن عقائد و مذاهب، با نادیده‌گرفتن آیین و فرهنگ زردشتی شدنی نیست؛ و دیرینگی کیش زردشتی و حضورش در این منطقه، و داد و ستدها و تأثیر و تأثرهای ناگزیری که در میان اقوام مختلف و ملل و نحل گوناگون بوده است، چنین غفلت یا تغافل را روا نمی‌دارد^۱.

○ در روزگار ما - آن‌گونه که گفتیم - پیروان کیش زردشت - و بویژه: زردشتیان سُنتی - برآستی آن‌دک شمارند، لیک زردشتی‌مآبان و کسانی که عناصری از فرهنگ زردشتی را - و گرچند با تفاسیر من‌درآوردی و قرائت‌های دل‌بخواهی - آزار هیاهو و تبلیغ و سوءاستفاده‌های هوچیگرانه ساخته‌اند، و در این زمینه توهّمات بی‌سرو‌بُنی را ائتشار می‌دهند که در درازمُدّت مایه سردرگمی بسیار کسان تواند شد، شمارشان البته بیشتر است و بانگ و رنگشان نمایان‌تر.

۱. نیز سنج: الذیانة الزرادشتیة مزدیسنا، نوری اسماعیل، ط: ۶، دمشق: دار علماء الدین للنشر و التوزیع و الترجمة، ۲۰۰۶ م، ص ۵ و ۶.

تلاعب با مفاهیم مربوط به دین و فرهنگ و میراث زردشتی و سوء تفاهم‌های خواسته و ناخواسته‌ای که در درازنای قرون بدان دامن زده شده و در عصر ما دست‌آویز کشاکش‌های بیشتری واقع گردیده است، از سویی هرگونه بازشناسی فرهنگ و میراث زردشتی را عرصه تاخت و تاز فرهنگ‌گراییان افراطی و زردشتی‌مآبان هیاهوگر ساخته و فضای معرفتی را تاریک و پُر تشویش گردانیده، و از دیگر سوئی مواقف زیاد سلبی شماری از اسلام‌گرایان را نسبت به سنت زردشتی باعث آمده است.

هرچند برخی از مفسران و فقیهان بنام مسلمان کوشیده‌اند تا بر کران از غوغاها و باروشن‌بینی دینی و ژرف‌کاوی علمی، تبیینی هرچه واقع‌نگرانه‌تر از ایستار اسلام نسبت به دین و فرهنگ زردشتی ارائه دهند، انبوه قال و مقال‌های هیاهوگرانه در این زمینه و استنادات گاه و بیگاه به اقوالی که فاقد وجهت کافی علمی و دینی است در این هیاهوها، کمتر مجال باز نهاده است تا آن تبیین‌های متین و روشن‌بینانه دیندانان چنان که سزاوار است مورد توجه و التفات قرار گیرد.

تقریر روشن و روشمند آگاهی‌ها درباره دین و فرهنگ و پیشینه زردشتیان، هم‌رویکرد شماری از مفسران بزرگ و فقیهان برجسته معاصر ما را در تصحیح مواقف زیاد سلبی نسبت به سنت زردشتی تأیید و تقویت می‌کند و هم پایه غالب هیاهوهای باستان‌گرایان افراطی و زردشتی‌مآبان را سست می‌گرداند.

○ در جایی که زردشتیان، اولاً، در قرآن کریم و جوانبی از میراث ماثور اسلامی و هم‌چنین فتاوی شرعی مورد اشاره اند، و ثانیاً، به عنوان یک اقلیت دینی زنده و رسمی و سرشناس در جامعه اسلامی به سر می‌برند، و ثالثاً، تاریخ و فرهنگ و عیب و هنرشان همواره در کشاکش‌های فرهنگی و تبلیغی میان اسلام‌گرایان و اسلام‌ستیزان محل بحث و طعن و تعریض بوده و هست، تقریر توصیفی آنچه از دین و فرهنگ و پیشینه زردشتیان می‌دانیم و بویژه مورد حاجت یک جست‌وجوگر اسلامی است، ضرورتی است انکارناپذیر؛ زیرا غالب مسلمانان و حتی غالب

پیشگفتار ۱۷

مُحَقِّقَانِ إِسْلَامِي، به عنوان مثال، از شواهد و مؤیدات فراوانی که شریعت اسلامی در شریعت زردشتی دارد و همسویی‌هایی که میان مسلمانان و زردشتیان بوده و هست و همچنین از نقاط ضعف بسیاری از آنچه باستان‌گرایان غوغائی در تبجیل و تبلیغ و تزجیح سنت و فرهنگ زردشتی از آن سخن می‌دارند، یکسره بی‌اطلاعند؛ و زدایش این بی‌وقوفی، جز با تقریر و بازتقریر روشمند آگاهی‌ها و داده‌های موجود، شدنی نیست.

نمونه را، در دین و فرهنگ و پیشینه زردشتیان، شواهد و اسناد روشنی هست که می‌تواند گواه صحت قرائت رسمی مبنی بر احتساب زردشتیان در زمره "اهل کتاب" و در کنار مسیحیان و یهودیان باشد و روشن دارد آن پیرایه‌های سنت زردشتی که با رویکرد کلی ادیان وخیانی سازگار نیست (و از جمله، بوی "شُرک" و دوری از "توحید" می‌دهد)، فاقد اصالت است.

به همین سان، تأمل و توغل در فرهنگ و پیشینه زردشتیان، تا حدود قابل توجهی علل راستین عقب‌نشینی نسبتاً سریع این دین را در برابر اسلام و روند فرسایش تدریجی سنت دینی زردشتیان را از بسی پیش از ظهور اسلام توضیح می‌دهد و خود به خود زمینه رفع کثیری از سوء تفاهات و شبهات را در این زمینه فراهم می‌سازد.

○ درباره دین و فرهنگ زردشتی، خاصه در قرن اخیر، بسیار نوشته‌اند؛ از جمله در ایران و به زبان فارسی.

پیشینه آنچه تاکنون درباره دین زردشت و فرهنگ و پیشینه آن نوشته شده است و در اختیار مخاطبان فارسی‌زبان ماست، یا (۱) از سوی باستان‌گرایان افراطی و زردشتی‌مآبان احساسی و با نیت تبلیغ یا تبجیل (و آن هم به شیوه‌ای که دلخواه ایشان باشد) بوده است، یا (۲) از سوی خاورشناسان و پیروانشان با رویکردی عمده تاریخی و زبان‌شناختی و بالطبع بی‌عنایت به کثیری از پرسش‌ها و دغدغه‌های یک پرسشگر مسلمان، یا (۳) از سوی مسلمانانی که در مقام جدل

خواسته‌اند باستان‌گرایان افراطی و زردشتی‌مآبان احساسی را اسکات کنند و شبهه‌افگنی‌هاشان را پاشخ‌گو باشند و حملات حقیقت‌ستیزانه‌شان را دفع نمایند (و خلاصه، خصم را بر سر جای خود بنشانند).

بدین ترتیب متأسفانه در غالب منابع موجود، کمتر تقریر معرفتی نسبت به یکدست و بی‌هیاهویی که دغدغه‌های پرسشگر مسلمان را پاشخ‌گو و مناسب ذهن و زبان او باشد، به چشم می‌خورد؛ لیک در همان صدها کتاب و مقاله‌ای که با همان جهت‌گیری‌های سه‌گانه پیشگفته به این موضوع می‌پردازد، مجموعه خوبی دستیاب می‌توان کرد از برای فراهم‌سازی تقریر یادشده و به قصد اصطیاد نکات مورد حاجت از میان گزارش‌ها و نگارش‌های موجود... و «کسی که (برای دیگران) خواستار روشنایی است، روشنایی (بدو) ارزانی خواهد شد»^۱.

○ نگارنده این سطرها، در درجه نخست کوشیده است در فراهم‌آوری این دفتر، شماری از پرسش‌ها و نیازهای خواننده مسلمان و مسائلی را که ممکن است از سوی او مورد سؤال یا سوء تفاهم واقع گردد، به بحث گیرد.

انصافاً با وجود کثرت کتاب‌ها و مقالاتی که از کیش زردشت و پیشینه و آیین‌های آن سخن می‌دارد، فراهم‌ساختن این دفتر به مثابت یک «شناخت‌نامه مقدماتی» چندان هم آسان نبود؛ چرا که اصطیاد صحیح مواضع حاجت، از میان انبوه منابع موجود در این موضوع که گاه رویکردهایی بغایت ناهم‌سو نیز دارند، آن هم در جایی که «در مطالعه دین زردشت، تقریباً درباره همه چیز اختلاف نظر وجود دارد»^۲ (و - به تعبیری مزاح‌آمیز - «بندرت اتفاق می‌افتد که دو ایران‌شناس

۱. یسنه، هات ۴۳، بند ۲ / اوستا (کهن‌ترین سرودها و مثنهای ایرانی)، گزارش و پژوهش: جلیل دوستخواه، چ: ۱۸، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۹۴ ه.ش، ۱ / ۳۹.

۲. درآمدی بر دین‌های دنیای باستان، سرویراستار: سارا ایلز جانستون، ترجمه: جواد فیروزی، چ: ۱، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۹۴ ه.ش، ص ۲۸۸.

در مورد مسأله‌ای با هم به توافق برسند»^۱، کاری است باریک و دشوار و زمان خواه و طاقت سوز.

قوت از حق خواهم و توفیق و لاف

تا به سوزن برگنم این کوه قاف^۲

○ شماری از آنان که در این‌گونه مباحث مربوط به تاریخ و فرهنگ دینی وارد می‌شوند - بویژه آنان که در اتخاذ ایستارهای مؤلف یا مخالف، انگیزه‌ها و اهداف تبلیغی را پی می‌گیرند -، به جزئیات‌های متوهمانه دل‌بستگی بسیار دارند و دوست دارند در آنچه دربارهٔ ادیان و مذاهب و خوب و بدشان می‌گویند، پیوسته احکام قطعی صادر کنند و با قطعیت "بستایند" یا "بنکوهند". این، در جایی است که بسیاری از اسناد و مدارک و منابع مورد مراجعه و مطالعه در این قلمرو، چندان در هاله‌های ابهام و تردید قرار دارند که طبیعت احوالشان، اضرار چنان احکام قاطعانه و دست‌یازی به چنان داوری‌های جزئی را بکلی ناممکن می‌سازد. من‌بنده همین‌جا از چنان گسان که صدالبته مطلوب خود را در این دفتر نمی‌یابند و در غیاب پاره‌ای از چنان احکام و داوری‌ها تلخ‌کام می‌گردند، عذر می‌خواهم؛ و مصرا نه جانب احتیاط را - چندان که می‌توانم - نگاه می‌دارم و می‌کوشم نگرش و نگارش خویش را بدان جزئیات‌های متوهمانه نیالایم.

کار پژوهنده‌ای که به زغم ابهام‌ها و تاریکی‌های موجود، می‌خواهد گزارشی حقی‌المقدور آمین و صادقانه دربارهٔ یک دین و آیین‌های کهن و مورد اختلاف آن صادر کند، و در میان اقوال ضد و نقیض راهی به سوی حقیقت بجوید، از برای

۱. آتش در خاور نزدیک باستان (أبعاد زبان‌شناسی، باستان‌شناسی، فتنی و ادبی)، توفیق فهد و ...، ترجمه: محمد رضا جوادی، چ: ۱، تهران: نشر ماهی، ۱۳۹۰ ه.ش.، ص ۷۱.

۲. مثنوی معنوی، جلال‌الدین محمد بلخی، به تصحیح و مقدمه: محمد علی مؤجد، چ: ۱، تهران: انتشارات هرمس - و - فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۶ ه.ش.، ۱ / ۹۱، د: ۱، ب ۱۳۹۶.

۲۰ درآمدی بر شناخت دین و فرهنگ زردشتی

نگارنده این سطرها، تا اندازه‌ای یادآور داستان آن قاضی مسکین گریان است که مولوی در مثنوی احوالش را چنین حکایت کرده:

قاضیی بُنشانَدند^۱ او می‌گریست

گفت نایب: قاضیا! گریه ز چیست؟

این نه وقت گریه و فریادِ توست

وقتِ شادی و مُبارکُ بادِ توست

گفت: آه! چون حُکم راند بی‌دلی^۲؟

در میان آن دو عالم، جاهلی؟

آن دو خضم از واقعه‌ی خود واقف‌اند

قاضی مسکین چه داند زان دو بُند^۳؟!

جاهل است و غافل است از حالشان

چون رود در خونشان و مالشان...^۴

آری؛ دیرسال‌هاست که گفته‌اند: «القاضی جاهل بین العالمین»^۵ (یعنی: داور،

بی‌اطلاعی است در میانه دو مُطَّلِع)! ...

۱. بُنشانَدند: گمارَدند، نَصَب کردند.

۲. بی‌دل: بی‌خبر، ناآگاه.

۳. بُند: حيله.

۴. مَثْنَوِي مَعْنَوِي، به تصحیح و مُقَدِّمَةُ: مُحَمَّد عَلِي مُوَحِّد، ج: ۱، ۱/ ۴۲۵، د: ۲، ب ۲۷۵۳ - ۲۷۵۷.

۵. اُمثال و حِکْم، عَلَّامه عَلِي أَكْبَرِ دِهْخُدا، ج: ۶، تهران: مَوْسَسَةُ اِنْتِشَارَاتِ اَميرِكَبير، ۱۳۶۳ ه.ش.، ۱/ ۲۶۷. نیز سَنَج: اَحَادِيث و قِصَص مَثْنَوِي (تَلْفِيقِي از دو كِتَاب «اَحَادِيث مَثْنَوِي» و «مَأْخِذ قِصَص و تَمَثِيلَات مَثْنَوِي»)، بَدِيع الزَّمَانِ فُروزانفَر، تَرْجَمَةُ كَامِل و تَنْظِيم مُجَدَّد: حُسَيْن داوَدِي، ج: ۲، تهران: مَوْسَسَةُ اِنْتِشَارَاتِ اَميرِكَبير، ۱۳۸۱ ه.ش.، ص ۲۷۷.

پیشگفتار ۲۱

درباره بسیاری از اخبار ناساز و آگاهی‌های اینهام‌آلود تاریخ و فرهنگ کهن سال
ما، قضاوت قاطع، شدنی نیست؛ هرچند خواهندگان بسیار دارد و مشتاقان
پُرشمار!

نمونه را، بی هیچ تردید هستند کسانی که درباره آسمانی بودن دعوت زردشت
اطمینانی دارند بمراتب نیرومندتر از آن که من دارم و دوست می‌دارند صاحب این
قلم نیز با یقینی پیراسته از هرگونه تردید در این باره سخن گفته باشد و زردشت را
به ضرس قاطع پیامبری برانگیخته چونان موسای کلیم و عیسیای مسیح و محمد
مصطفی - علیهم‌الآف‌التحیة و الثناء - بشناساند. نیز هستند کسانی که
زردشت را - از بُن - یک مدعی دروغین پیامبری می‌شناسند و سزای نکوهش‌ها و
شکایت‌ها و ملامت‌ها می‌دانند. من نه از آنانم و نه از اینان، و - به شرحی که در
همین دفتر آورده‌ام - زردشت را به ظن راجح و بسیار نیرومند، پیامبری راستین
می‌دانم، ولی در این باره چنان یقینی ندارم که - به اصطلاح قدما - به حج و طلاق
و عتاق قسم یاد توانم کرد^۱ و - به اصطلاح عامیانه متداول: - "قسم حضرت عباس
بخورم".

این، تنها یک نمونه است و نظائر این، در قضایای تاریخی بسیار است، و از
بُن، تحصیل یقین‌های آن چنانی، در بسیاری از امور تاریخی، بغایت متعذر
می‌نماید. قلت منابع، و کثرت اینهام‌های موجود در مفاهیم، و وجود تردیدهای
نمایان در اسنادها و ایتساب‌ها، راه را بر هرگونه بی‌پروائی ماجراجویانه در داوری و
تهوّر با دسارانه در تحلیل می‌بندد؛ و صد البته بیانات "شعار"ی و "تبلیغات"ی، از
شارعی دیگر گذر می‌کنند که ما را با آن سر و کار نیست.

۱. درباره این سه موضوع (که أحياناً «محرّجات ثلاث» نیز خوانده می‌شدند) و سوگند یاد کردن
به آن‌ها، نیز نگر:

شرح مقامات الخیرى، أبو العباس أحمد بن عبد المؤمن القيسى الشرىسى، تحقیق: محمد
أبو الفضل إبراهيم، ط: ۱، صیدا - و - بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۱۳ ه.ق، ۴ / ۲۲۰ و ۲۲۱.

○ نیز هرچند از آشکار ساختن سُستی‌ها و نادُرستی‌ها و کاستی‌ها و ناراستی‌ها پروا نداشته‌ام، بنا را بر عیب‌جویی و عیب‌گویی و ایرادهای نپش‌غولی نگذاشته‌ام و تألیفی از مقوله "مناقب المَجوس" یا "مثالب المَجوس" را - به اصطلاح مُنشیانِ عَصْرِ قاجار: - در عَهْده نَشناخته‌ام! ... کوشیده‌ام تا بیشترک تَفْرِیری آگاهی بَخُش به دَسْتِ دِهَم تا سیاهه مدح و ذم ناس.

اِجَازَتِ فَرَمَیید باز یادی کُنَم از هَمان سیرتِ اَمثالِ اَبورِیحانِ بیرونی و کِتابِ تَحقیقِ ما لِلهُند که پیش از این، از آن ذِکری به میان آوردم.

هَمان بیرونی می‌توانست مقوله "تقدیسِ گاو" را در هِنْدوستان، مایه هَزالی و خوشمَزگی قرار دِهَد و اگر چُنین می‌گَرَد البتّه هَم بَعْضِ مُتَعَصِّبانِ مَنسوب به مُسَلَمانی خُشنودتر می‌شُدند و هَم کِتابش نُقلِ مَحافِل و نُقلِ مَجالسِ جَلالَتِ مآبانِ اَعْصار می‌شُد؛ ولی او به جای این کار و اِرضای اَمیالِ عوام و بَرآوردنِ خواهش‌ها و تمایلاتِ عوامانه خَواص، به نَقْد و تَحلیلِ عِلْمی هَمین موضوعِ رُوی آورد و سَعی گَرَد - دَر حُدودی که مَقْدورَش بود و ذَهْن و عِلْم و اِطِلاعش اِجازه می‌داد - ریشه‌های تاریخی و خاستگاهِ آن باوَرِ غَریب را بکاوَد و مُبَیِّن دَارَد که اِحْتِمالاً کُدامین عِللِ اِقتِصادی و چه جوانیبی از اَهَمّیّتِ گاو دَر مَعیشت (مِثلِ حَمَلِ اَثقال و اَحْمالِ دَر اَسفار و اَخْذِ اَلبان و بَهْره‌گیری دَر کِشت و کار) به "تقدیسِ گاو" نَزِدِ هِنْدوان^۱ اَنجامیده است.^۲

۱. اَرَجِ نِهَادَن به "گاو"، البتّه با تَفاوتِ هائی، دَر فَرهَنگِ کُهَنِ اِیرانی هَم نمونه‌هایِ فَرّاوان دَارَد و دَر دِیانت و فَرهَنگِ زَرْدُشتیان نیز مَشْهُود و مَحسوس است. به یاریِ دادرِ دادفرمائی، پَسان‌تر دَر هَمین دَفْتَر، به اِشاراتی کوتاه دَر این باره باز خواهیْد خورُذ؛ هَرچند جای بَحْثِ تَفصیلی از این مَعنی، این جا نیست.

۲. اَز بَرای اَنچه بیرونی دَر این باره کُفته است، نَگر: کِتابِ اَبی الرّیحانِ مُحَمَّد بنِ اَحْمَد البیرونیّ فی تَحقیقِ ما لِلهُند مِن مَقولَةٍ مَقْبُولَةٍ فی العَقْلِ اَوْ مَرْدُولَةٍ، تَحقیق: اِدوآرد زاخائو، لَنَدَن، ۱۸۸۷ م، ص ۲۷۷.

در نوشتن درباره زردشتیگری، تمرکز دائمی بر موضوعاتی جنجالی و مهیج چون بحث "ازدواج با محارم" یا "احکام عجیب و آداب غریب تظهير در سنت زردشتی"، شاید شگفتی مخاطب ما را بیش از پیش برانگیزد و نگاه خوانندگان بیشتری را به سوی ما معطوف دارد؛ لیکن در شناخت کلیت آیین و فرهنگ زردشتی ما را موفقتر نمی‌دارد؛ بل به سوی شناختی پندارین و نوعی توهم‌دانائی سوق می‌دهد و این خیال باطل را قوت می‌بخشد که براسستی اصلی‌ترین مسائل در شناخت زردشت و زردشتیگری همین‌هاست! ... حال آن که چنین نیست!

خدای را - سبحانه و تعالی - از ژرفای دل و جان سپاس می‌گزارم که در روزگار پُراشوبِ کنونی و در زمانه‌ای که - به قولِ عَرفی شیرازی: - «ز مَنْجَنیقِ فَلَکِ سَنَگِ فِتنه می‌بارد» و عوائقِ توفیق در چنین کارها فراوان است، مرا یار و مددگار شد تا نگارش این دفتر را به سر برم.

آنچه در ضیقِ مجال و در عینِ تَوَرُّعِ بال و بشولپدگیِ ضمیر در دفتر حاضر تدوین و تحریر گردیده است، بخشی است کوچک از انبوه یادداشت‌ها و مواد گردآوری شده از برای چنین کاری... آیا دگر باره مجالی از برای قلم‌زدن در این زمینه خواهم یافت و از آن انبوه مواد و یادداشت‌ها چیزی را در کار خواهم آورد؟ ... خدا می‌داند؛

و امروز بر یقین و گمانم ز عمر خویش:
دانم که چند رفت و ندانم که چند ماند!^۱

نگارش درآمدی بر شناخت دین و فرهنگ زردشتی، از برای "دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (شعبه اصفهان)" صورت پذیرفته است، و به آیین، سپاس

۱. دیوان مسعود سعد سلمان، به تصحیح: رشید یاسمی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات پیروز، ۱۳۳۹ ه.ش.، ص ۵۹۰.

۲۴ درآمدی بر شناخت دین و فرهنگ زردشتی

بایدم گزارد از مدیرِ مُحْتَرَمِ این نهادِ دینی و فرهنگی، جناب حُجَّةُ الْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ دکتر عبدالرَّسُولِ أَحْمَدِيان، که از هرگونه همراهی سودمند و همگامی تَمَرِبِخْشِي که مَقْدور و مَنظورشان بود دریغ نوزیدند.

در مَشَاقِي این سواد، از هَمْدَلِي و شَفَقَتِ دو تن از هَمکارانِ این گرامی نهاد، برخورداري ویژه داشته‌ام: یکی، آقای دکتر حَمِيدِ عَطَائِي نَظْرِي (نَظْنَزِي)؛ و دیگر، آقای سَعِيدِ خَانِي. سپاسگزارِي خاص از این دو دوستِ نیک‌خواه و نیک‌آیین، بر مَن فَرَضِ است. آقای دکتر عَطَائِي از برایِ بسامان‌تر شدنِ این مَتَن زَحَمَتِ بسیار کَشیدند و یادآوری‌های آرزنده و کارآمدی فرمودند که بَخَشِ مُهْمِي از آن‌ها به کار بَسْتِه شُد و اگر مَجَالِي فَرَاخ‌تر و زَمَانِي بِيَشْتَرِ در اختیار می‌بود، می‌سَزید تا از مَلاحِظَاتِ ایشان حَظَّ أَوْفَرِ بَرگیرم.

هَمچُنین هَمکارانِ اَرَجَمَنَدَمِ در دَفْتَرِ، آقایان فَرِیْبِرَزِ رَاهْدان و مُحَمَّدِ کَاظِمِي و مُجْتَبِي مَهْدِيان، هَریک سَهْمِي در پِیش بُرْدِ کارِ نَشْرِ کِتَابِ و تَسْهِيلِ دُشْوَارِي‌های اِداری و تَشْکِیلاتِي داشته‌اند. سپاسگزارِ این گرامیان نیز هستم.

از بَنِ دَنْدان و از زَرفايِ جان، بر جُمْلَه یاران و هَمْدِلانِ آفرین می‌خوانم و از خُداوندِ سُبْحان - عَزَّ اَسْمُه - به دُعا می‌خواهم تا پیوسته شادکامشان بدارد و تَنْدُرُست... ایدون باد!

اکنون که چندی است به حُکْمِ تَقْدیر - وَ نَه بَر وَفَقِ خَوَاهِشِ دِل و تَدبیر -، «این در وطنِ خویش غریب» را به کناره‌جستن از کارهای دِلخواه‌ترِ دیگر و اِشْتِغالِ ناگزیر به تَقْرِیر و تَخْرِیر و تَدوینِ این دَفْتَرِ و مانندِ آن حَوَالَتِ رَفْتِه است، آرزوَمَنَدَمِ تَسْویدِ اُوراقِ پِیشِ رو گامی بوده باشد در راهِ رُوشَنگَرِي و کُستَرانیدنِ آگاهی؛ چه، بی هیچ گُمان، بَهروزِيِ جَامِعَه ما در گرو آگاهی و رُوشَن‌بینی است... اگر براستی این دَفْتَرِ چنان باشد و مایه رُوشَنگَرِي و آگاهی از برایِ خوانندگان، هَرآینه خویش را از پیروزی و بَهروزِيِ بَهْره‌یاب می‌بینم.

پیشگفتار ۲۵

از دین آورِ دیرینه روزِ ایرانی، زَرْدُشْتِ سِپیتمان، نیز مَنقول است که گفته:
«بهروزی از آن کسی است که دیگران را به بهروزِ برساند»^۱.

ناچیز زوارِ دانش و دین:

جویا جهانبخش

اصفهان مینونشان / ۱۴۰۱ ه.ش.

۱. یسنه، هات ۴۳، بَند ۱ / اوستا (کهن‌ترین سُرودها و مَثنهای ایرانی)، گزارش و پژوهش: جلیل
دوستخواه، چ: ۱۸، تهران: انتشارات مُروارید، ۱۳۹۴ ه.ش، ۱ / ۳۹.